

# دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه ۱۵، قوم خدا

رابرت پترسون و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس الهیات یوحنا. این جلسه ۱۵، قوم خدا است.

ما به مطالعات خود در الهیات یوحنا، الهیات انجیل یوحنا، ادامه می‌دهیم و بیایید خداوند را بجویم.

پدر، از کلام تو سپاسگزارم. از تو سپاسگزارم که از ازل در مسیح عیسی به ما فیض عطا کردی. از تو سپاسگزارم که پسر را فرستادی تا ناجی ما باشد و روح تو را در قلب‌های ما جاری سازد. ما را برکت ده، ما را تشویق کن، ما را در جایی که نیاز داریم اصلاح کن. ما را در راه خود هدایت کن، به نام عیسی دعا می‌کنیم، آمین.

ما سبک یوحنا، ساختار انجیل چهارم، اهداف آن، گفته‌های «من هستم»، نشانه‌ها، گفته‌های مربوط به زمان، پاسخ‌ها به عیسی، شاه‌دان عیسی، تصاویر عیسی و سپس تصاویر کار نجات‌بخش او، روح‌القدس را مطالعه کرده‌ایم، ما در خدمت قوم خدا هستیم.

این آموزه عهد جدید قوم خدا در انجیل یوحنا است، یا در واقع، آموزه یوحنا درباره کلیسا. این بار، من از روی مقاله‌ای که خودم نوشته‌ام، که بخشی از یک جلد در مورد آموزه کلیسا خواهد بود، مطلب می‌خوانم. این مقاله شامل پیشینه عهد عتیق و سپس آموزه کلیسا در انجیل هم‌نوا در یوحنا است. در واقع، ما لوقا را جدا کردیم زیرا لوقا با اعمال رسولان، پولس و غیره همراه است.

کلیسا در انجیل یوحنا. اگرچه رودولف بولتمان جسورانه ادعا و نقل قول کرده است که هیچ علاقه خاص کلیسایی در انجیل چهارم قابل تشخیص نیست، اما این اشتباه است. همانطور که رابرت کیزار گفت، کیزار کتابی با عنوان «مبشر چهارم و انجیل او» نوشت که به دلیل خلاصه‌ای عالی از ادبیات ثانویه، حداقل تا سال ۱۹۷۵ که نوشته شد، مشهور است.

همانطور که کیسار گفت، مضامین کلیسایی انجیل چهارم در تصویر کلی اندیشه انجیل‌نویس برجسته و مهم هستند، که نقل قولی نزدیک است. در واقع، انجیل یوحنا علاقه زیادی به قوم خدا در عهد جدید نشان می‌دهد. این انجیل فاقد کلمه کلیسا، اکلیسا است، اما بارها به آن واقعیت اشاره می‌کند، همانطور که دی.ای. کارسون اصرار دارد، نقل قول، عناصر معنای تعلق به قوم خدا، و در واقع معنای کلیسا بودن، به طور غنی در آن وجود دارد، از جمله مطالب زیادی در مورد انتخاب کلیسا، زندگی، منشأ، ماهیت، شهادت، رنج، ثمردهی، دعا و وحدت.

تفسیر کارسون بر انجیل یوحنا، انجیل به روایت یوحنا، که قبلاً به آن اشاره کردم، تفسیر مورد علاقه من از انجیل یوحنا برای الهیات یوحنا است. چه چیزی تصاویر و آموزه‌های یوحنا در مورد کلیسا را به هم پیوند می‌دهد؟ پاسخ برای آنچه که هر چیز دیگری را در انجیل به هم پیوند می‌دهد، یکسان است: علاقه‌ی شدید او به شخص و کار مسیح. ما با مشاهده‌ی هفت تصویر از کلیسا، به بررسی کلیساشناسی یوحنا خواهیم پرداخت.

مرور کلی. کلیسا کسانی هستند که پدر را با روح و حقیقت می‌پرستند. قوم خدا در یوحنا کسانی هستند که توسط پدر و پسر نجات یافته‌اند.

آنها گوسفندان چوپان نیکو هستند. آنها کسانی هستند که از الگوی عیسی در یوحنا ۱۳ پیروی می کنند. آنها شاخه‌هایی هستند که در تاک می مانند، یوحنا ۱۵.

، آنها آن مفعول‌ها هستند، کسانی که مفعول دعای کاهن اعظم عیسی هستند، یوحنا ۱۷. و در نهایت کسانی که با انجیل مأمور شده‌اند، یوحنا فصل ۲۰. کسانی که پدر را با روح و راستی می پرستند، یوحنا ۴:۲۱ تا ۲۶، ۳۹ تا ۴۲.

قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که به لطف خدا، پدر را در روح و حقیقت پرستش می کنند. ما این را از برخورد یوحنا با زن سامری و قومش می آموزیم. عیسی عقاید او را در مورد پرستش اصلاح کرد.

قوم او در کوه جرزیم در جهل عبادت می کنند، زیرا، نقل قول، نجات از یهودیان است، یوحنا ۴:۲۲. زمانی نزدیک می شود که عبادت مستقل از مکان جغرافیایی، حتی اورشلیم، خواهد بود. در آن روز، نقل قول عبادت‌کنندگان واقعی پدر را در روح و حقیقت عبادت خواهند کرد، آیه ۲۴.

از آنجا که خدا روح است، پرستندگانش او را به صورت روحانی و طبق وحی کتاب مقدسش پرستش خواهند کرد. پس از اینکه عیسی دانش ماوراءالطبیعه خود را از سبک زندگی گناه آلود او نشان داد، او نتیجه گرفت که او یک پیامبر است، آیات ۱۶ تا ۱۸. سپس عیسی به این زن آشکار کرد که او مسیح است.

او به شهر خود، سوخار، بازگشت و ماجرای ملاقاتش با عیسی را برای دیگران تعریف کرد. آنها از او دعوت کردند که پیش آنها بماند. بسیاری از سامری‌ها به دلیل شهادت او و مهم‌تر از آن، سخنان عیسی، آیه ۴۲ معتقدند که عیسی نجات‌دهنده جهان است.

این متن در مورد کلیسا به ما آموزش می دهد. خدا با مردم به صورت فردی، زن سامری، و به صورت گروهی سامری‌ها، رفتار می کند. استغف اسامی این اصل را که از ویژگی‌های تفکر یوحنا است، در اینجا در مورد قوم خدا نیز به کار می برد.

نقل قول: الهیات کلیسا در انجیل یوحنا به زیبایی بین یک و چند تعادل برقرار می کند، نقل قول نزدیک کتاب اسامی، انجیل یوحنا، مبلغ و مفسر. این متن همچنین به سمت دیدگاه گسترده عهد جدید در مورد هویت قوم خدا اشاره می کند.

به جز چند مورد استثناء، اسرائیل در مسئولیت خود مبنی بر اینکه نوری برای ملت‌ها باشد، کوتاهی کرد. سامری‌ها فرزندان یهودیان فقیری بودند که در تبعید آشوریان از پادشاهی جنوبی پادشاهی شمالی جا مانده بودند. و مردم، به عنوان مثال، پادشاه آشور افرادی را از بابل، کوت، عوا، حمات و سفروایم آورد و در شهرهای سامره به جای بنی اسرائیل ساکن کرد - دوم پادشاه ۱۷:۲۴. در نتیجه، یهودیان سامری‌ها را دورگه می دانستند و از آنها بیزار بودند. یوحنا ۴:۹. یوحنا ۸:۴۸.

عیسی خلاف جهت آب شنا می کند. و در انجیل لوقا، عیسی سامری‌ها را به عنوان قهرمان تمثیل سامری نیکوکار، لوقا ۱۰، ۳۳ تا ۳۷، معرفی می کند. و تنها فرد سپاسگزار از ده جذامی شفا یافته، لوقا ۱۷، ۱۶.

بارت به عنوان مدرکی دال بر رسالت جهانی، به انجیل یوحنا استناد می کند و تأکید زیادی بر کار عیسی در میان سامریان دارد. فصل چهارم، روایت او را با اعلام سامریان مبنی بر اینکه عیسی منجی جهان است، به پایان می رساند. نقل قول بسته.

این متن از کتاب «انجیل به روایت سنت یوحنا» نوشته‌ی بارت است که تفسیر تفسیری بسیار خوبی دارد. اگرچه بارت در مقدمه‌اش می‌گوید که مطمئن نیست چقدر از این اتفاق واقعاً رخ داده است. اما تفسیر او خوب است.

عیسی در واقع تنها نجات‌دهنده بشریت است که یهودیان، سامریان و هر کس دیگری را که ایمان بیاورد نجات می‌دهد. در نتیجه، آنها به عنوان پرستندگان حقیقی، پدر را در روح و حقیقت نقل و پرستش می‌کنند. آیه ۲۴.

قوم خدا در انجیل چهارم کسانی هستند که توسط پدر و پسر نجات یافته‌اند. یوحنا ۶:۳۵ تا ۴۰. گفتمان عیسی در مورد نان حیات، قوم خدا در عهد جدید را با تثلیث که آنها را نجات می‌دهد، یکی می‌داند.

در واقع، با پدر و پسر که آنها را نجات می‌دهد. حداقل یک بار به روح اشاره شده است. اما، در درجه اول در سخنرانی‌های وداع، آموزه روح یوحنا از روح پس از پنطیکاست صحبت می‌کند.

پس از آنکه عیسی نان و ماهی را برای سیر کردن جمعیت زیادی تکثیر کرد، کسانی را که از دریای جلیل او را دنبال می‌کردند، به دنبال نشانه بودن و مادی‌گرایی متهم کرد. یوحنا ۶:۲۶-۲۷. جمعیت درخواست نشانه‌ای کردند که به تأمین منّ توسط خدا در بیابان اشاره داشته باشد.

یوحنا ۶:۳۰ و ۳۱. عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، موسی نبود که از آسمان به شما نان داد، بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد. زیرا نان خدا آن است که از آسمان نازل می‌شود و.» به جهان حیات می‌بخشد.

آیات ۳۲-۳۳. همانطور که اغلب اتفاق می‌افتد، شنوندگان عیسی او را اشتباه متوجه می‌شوند و از عیسی نان معجزه‌آسا می‌خواهند - آیه ۳۴.

عیسی گفت من نان حیات هستم. هر که نزد من آید، گرسنه نشود و هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نگردد. ۳۵.

عیسی پس از سرزنش شنوندگانش به خاطر بی‌ایمانی‌شان، تعلیم داد که پدر و او کار نجات را برای قوم خدا در عهد جدید انجام می‌دهند - آیه ۳۶، از ۳۶ شروع می‌شود. هر که پدر به من عطا کند، نزد من خواهد آمد، و کسی را که نزد من آید، هرگز بیرون نخواهم کرد.

زیرا من از آسمان نازل نشده‌ام تا اراده خود را انجام دهم، بلکه اراده فرستنده خود را. اراده فرستنده من این است که هیچ یک از کسانی را که به من داده است از دست ندهم، بلکه آنها را در روز بازپسین برخیزانم زیرا اراده پدر من این است که هر که پسر را ببیند و به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد و من او را در روز بازپسین برخیزانم.

یوحنا ۶:۳۷-۴۰. یوحنا در رومیان ۸، ۲۹ و ۳۰ از اصطلاحاتی متفاوت از اصطلاحات پولس استفاده می‌کند، اما آموزه‌های آنها مشابه است. پولس نوشت که برای کسانی که از پیش می‌شناخت، مقدر شده بود که به تصویر پسرش تبدیل شوند تا او نخست‌زاده در میان برادران بسیار باشد.

و آنان را که از پیش تعیین فرمود، ایشان را نیز خواند. و آنان را که خواند، ایشان را نیز عادل شمرد. و آنان را که عادل شمرد، ایشان را نیز جلال داد.

در اینجا مقایسه‌ای بین این دو انجام شده است. پولس از پیش آگاهی دارد، رومیان ۸:۲۹. تقدیر الهی، همان آیه.

دعوت «در آیه ۳۰ آمده است». ایمان «حذف شده است». عادل‌شمردگی «در آیه ۳۰ آمده است»

حفظ و رستاخیز حذف شده‌اند. تسبیح، همان آیه ۳۰. یحیی از پیش آگاهی ندارد، اما چیزی شبیه به تقدیر ازلی دارد.

پدر مردم را به پسر می‌دهد، یوحنا ۶:۳۷. پدر آنها را جذب می‌کند، مشابه دعوت پولس، ۳۷. مردم نزد عیسی می‌آیند.

این یوحنا است - در مورد ایمان به عیسی صحبت می‌کند، آیات ۳۷ و ۴۰. مردم حیات جاودان را به دست می‌آورند، آیه ۴۰. پسر آنها را طرد یا گم نمی‌کند، آیات ۳۷ و ۳۹.

پسر آنها را در روز آخر، ۳۹ و ۴۰، زنده خواهد کرد. یوحنا در اینجا جلال و شکوهی ندارد، اما چیزی بسیار شبیه به آن در یوحنا ۱۷:۲۲ و ۲۴ دارد. یوحنا هیچ چیزی معادل پیشگویی پولس، یعنی پیشگویی قوم خدا ندارد.

سپردن مردم به پسر توسط پدر، یکی از سه مضمون برگزیدگی یوحنا است. این با تقدیر ازلی پولس مطابقت دارد. جذب مردم به سوی پسر توسط پدر، با رسالت پولس مطابقت دارد.

آوردن مردم به عیسی مسیح با آموزه‌های پولس و آموزه‌های مکرر او در مورد ایمان مطابقت دارد. رومیان و رومیان ۳:۲۵ تا ۳۰ را مقایسه کنید ۱۷، ۱:۱۶.

به دست آوردن حیات جاودان توسط مردم در یوحنا با یکی از نتایج عادل‌شمردگی در پولس مطابقت دارد. حفظ و از دست ندادن قوم خدا توسط پسر، با آموزه‌های پولس در بسیاری از جاها مطابقت دارد. رومیان تا ۳۹ و به طور خاص در اینجا، رومیان ۸:۲۹ تا ۳۱ را مقایسه کنید که در آیات ۲۹ و ۳۰ آمده ۸:۲۸ است: کسانی که از پیش شناخته شده‌اند، از قبل جلال یافته‌اند.

اینکه عیسی در روز آخر مردم را برمی‌خیزاند، با آموزه پولس در مورد بازگشت عیسی، که بدن‌های مؤمنان را به طرز قدرتمندی به بدن باشکوه خود تبدیل می‌کند، فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱، مطابقت دارد. با کنار هم قرار دادن همه چیز، می‌بینیم که یوحنا قوم عهد جدید خدا را به عنوان کسانی توصیف می‌کند که توسط پدر و پسر نجات یافته‌اند. کسانی که پدر برای نجات انتخاب می‌کند، او نیز به سمت عیسی جذب می‌شود.

آنها به عیسی ایمان می‌آورند و عیسی به آنها حیات جاودان می‌دهد. عیسی آنها را تا روز آخر نجات خواهد داد، زمانی که آنها را از مردگان برخیزاند. بنابراین یوحنا دو نکته مهم در مورد قوم خدا تعلیم می‌دهد.

اولاً، خدا از ابتدا آنها را نجات می‌دهد، پدر آنها را انتخاب می‌کند، و تا انتها، عیسی آنها را به حیات ابدی برمی‌خیزاند. ثانیاً، توجه داشته باشید که همان افرادی که پدر انتخاب می‌کند و توسط عیسی قیام خواهند کرد، همان افراد هستند. بنابراین، به دلیل کار نجات‌بخش پدر و پسر، نوعی پیوستگی برای قوم خدا وجود دارد.

و فقط برای روشن شدن مطلب، به عنوان یک الهیدان سیستماتیک، می‌خواهم به کار روح القدس پایان دهم، اگرچه یوحنا در اینجا این را نمی‌گوید. همانطور که مشخص است، او این نوع تعلیم را به گفتمان‌های

خداحافظی یوحنا ۱۳ و پس از آن ارجاع می‌دهد. همانطور که اغلب اتفاق می‌افتد، یوحنا در اینجا از روح القدس نام نمی‌برد، اما اگر متون دیگر یوحنا را با ۶:۳۷ تا ۴۰ مرتبط کنیم، اضافه می‌کنیم که روح، قوم خدا را از نو خلق می‌کند، ۳:۸، ۶:۶۳، و برای همیشه در ایمانداران خواهد بود، یوحنا ۱۶:۱۴ و ۱۷.

بنابراین، کلیسا مردمی است که توسط پدر، پسر و روح القدس نجات یافته‌اند. قوم خدا در عهد جدید با رابطه‌شان با تثلیث تعریف می‌شوند - گوسفندان چوپان خوب، یوحنا ۱۰: ۱ تا ۱۶.

قوم خدا در عهد جدید، گوسفندان عیسی، چوپان نیکو، هستند. استفاده یوحنا از عهد عتیق با استفاده انجیل‌های هم‌نوا متفاوت است. آنها معمولاً از تحقق عهد عتیق در زندگی و خدمت عیسی صحبت می‌کنند.

برای مثال، در این نقل قول، همه اینها برای تحقق آنچه خداوند از طریق پیامبر گفته بود، رخ داد. ببینید، باکره باردار شد و پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید که ترجمه آن خدا با ماست. متی ۱:۲۲، ۲۳، به نقل از اشعیا ۷:۱۴.

در مقابل، یوحنا اشاراتی به عهد عتیق، از جمله نمونه‌های مشابه در داستان خود از عیسی، ارائه می‌دهد. این تمایز مطلق نیست، بلکه از روی تأکید است، زیرا هم یوحنا و هم انجیل‌های هم‌نوا حاوی پیشگویی‌ها و اشارات تحقق‌یافته هستند. عهد عتیق از قوم خدا به عنوان گوسفند و خدا به عنوان چوپان آنها سخن می‌گوید.

این در مورد حزقیال ۳۴ که زمینه‌ساز یوحنا ۱۰ است، صادق است. خداوند بر شبانان اسرائیل که خود را سیر کرده‌اند، وای می‌گوید. شما از گله مراقبت نمی‌کنید.

گله من در تمام روی زمین پراکنده شده است. اینک من بر ضد چوپانان هستم. همانطور که چوپانی در میان گله پراکنده خود به دنبال گوسفندان خود می‌گردد، من نیز به دنبال گله خود خواهم بود.

من آنها را از تمام جاهایی که پراکنده شده‌اند، نجات خواهم داد. من یک شبان، یعنی بندهام داوود، را بر آنها خواهم گماشت تا آنها را شبانی کند. من، خداوند، خدای آنها خواهم بود و بندهام داوود در میان آنها فرمانروا خواهد بود.

آنگاه خواهند دانست که من، خداوند، خدای ایشان، با ایشان هستم و ایشان، خاندان اسرائیل، قوم من هستند. حزقیال ۳۴، آیات فراوان. ارمیا ۲۳، آیات ۱ تا ۴ را مقایسه کنید. عیسی نیز به همین ترتیب چوپانان دروغین را محکوم کرد.

نقل قول: همه کسانی که پیش از من آمدند دزد و راهزن هستند. با این کار، او پیامبران عهد عتیق را محکوم نکرد، بلکه چوپانان دروغین اسرائیل، چه باستانی و چه معاصر، مانند کسانی که با مرد نابینا در یوحنا ۹ فصل قبل، بدرفتاری کردند را محکوم کرد. عیسی چوپان خوبی است که نه تنها از گوسفندان خود مراقبت می‌کند، بلکه جان خود را برای آنها فدا می‌کند.

عیسی همچنین دروازه‌ای است برای گوسفندان تا به آغل قوم خدا در عهد جدید وارد شوند. یوحنا ۷: ۱۰. من دروازه هستم. هر که از طریق من وارد شود، نجات خواهد یافت و به داخل و خارج می‌رود و چراگاه خواهد یافت.

کالین کروز پیشینه‌ای از سخنان عیسی ارائه می‌دهد. نقل قول: همانطور که گوسفندانی که وارد محوطه سنگی می‌شدند و خود چوپان در آن بود، در امان بودند، افرادی که به عیسی ایمان دارند نیز تا ابد در امان

هستند. همانطور که چوپان گوسفندان خود را در طول روز به چراگاه می‌برد و شب‌ها آنها را به داخل می‌آورد، عیسی نیز برای کسانی که به او ایمان دارند، تدارک می‌دید.

کالین کروز، جان، تفاسیر عهد جدید تیندل. جلد جایگزین. در واقع، عیسی، به عنوان یک چوپان خوب، آمد تا حیات جاودان را به وفور به مؤمنان عطا کند، آیه ۱۰.

عیسی قوم خدا در عهد جدید را به عنوان گوسفندان خود که جان خود را برای آنها فدا می‌کند، معرفی کرد. آیات ۱۱ و ۱۵. چوپانان وفادار گاهی اوقات جان خود را به خطر می‌اندازند تا گوسفندان خود را مثلاً از شیر یا خرس در امان نگه دارند، به اول سموئیل ۱۷:۳۵ مراجعه کنید. با این حال، چوپانان نمی‌خواستند جان خود را برای گوسفندان خود فدا کنند زیرا در آن صورت کسی نبود که از آنها محافظت کند.

اما عیسی چوپان خوبی است که جان خود را برای گوسفندان فدا می‌کند. عیسی جان خود را برای گوسفندان فدا کرد. او برای نجات گناهکاران مُرد، همانطور که یحیی تعمید دهنده گفت، نقل قول کنید ببینید بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد، یوحنا ۱:۲۹ و ۳۶.

عمل موسی در بیابان نمونه‌ای از مسیح مصلوب است، نقل قول، همانطور که موسی مار را در بیابان بلند کرد، پسر انسان نیز باید بلند شود تا هر که به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد، یوحنا ۳:۱۴ و عیسی، چوپان نیکو که جان خود را می‌دهد، دوباره آن را برمی‌دارد. او خود را از مردگان برمی‌خیزاند، یوحنا ۱۵:۱۷ و ۱۸.

این یکی از دو جایی است که کتاب مقدس می‌گوید عیسی خود را از مردگان برخیزاند. دیگری یوحنا ۲:۱۹ تا ۲۲ است. آن مصلوب زنده است تا به مؤمنان حیات بخشد.

او در مورد مرگ قریب‌الوقوع و رستاخیز بعدی خود گفت، «در اندک زمانی، جهان دیگر مرا نخواهد دید، اما شما مرا خواهید دید زیرا من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست، یوحنا ۱۴:۱۹.» (یکی از مضامین مسیح‌شناسی رایج در آثار عیسی، عیسی به عنوان یک حیات‌بخش، کسی است که حیات جاودان می‌بخشد، او که به عنوان نماینده پدر در خلقت به همه چیز حیات بخشید، ۱، ۳، در سراسر انجیل یوحنا ۵:۲۱ حیات جاودان را به عنوان هدیه‌ای به مؤمنان می‌دهد. اگرچه اصطلاحات یوحنا با ۱۴:۶، ۱۱:۲۵، ۱۰:۲۸، اصطلاحات پولس متفاوت است، یوحنا ۲ تعلیم می‌دهد که خدا قوم عهد جدید خود را با پیوند دادن رستگاری آنها به مرگ و رستاخیز پسرش تعریف می‌کند.

عیسی مُرد و برخاست تا به گوسفندان حیات جاودان ببخشد. در نتیجه، چوپان و گوسفندان در عهد یکدیگر را می‌شناسند، نقل قول: من چوپان نیکو هستم، من خاصان خود را می‌شناسم و خاصان من مرا می‌شناسند، همانطور که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم، یوحنا ۱۴:۱۰ و ۱۵. جورج بیزلی موری اندیشه یوحنا را به تصویر می‌کشد و نقل می‌کند که شناخت متقابل چوپان و گوسفندان نشان دهنده رابطه‌ای صمیمانه است که منعکس کننده رفاقت عشق بین پدر و پسر است.

جورج بیزلی موری، یوحنا در تفسیر کتاب مقدس. یوحنا ۱۰ همچنین به جهانی بودن و وحدت قوم خدا در عهد جدید اشاره می‌کند. عیسی گفت، اما من گوسفندان دیگری دارم که از این آغل گوسفند نیستند.

من باید آنها را نیز بیاورم، و آنها به صدای من گوش خواهند داد. آنگاه یک گله، یک شبان، آیه ۱۶ خواهد بود. گوسفندان دیگر، مؤمنان غیریهودی هستند که به لطف خدا، با مؤمنان یهودی متحد می‌شوند تا کلیسای مسیحی را تشکیل دهند.

لئون موریس بر این نکته تأکید می‌کند. گوسفندان دیگری که عیسی باید بیاورد، به قول معروف، کسانی هستند که در یهودیت یافت نمی‌شوند. این کلمات به دامنه جهانی انجیل اشاره دارند.

آنها نیز صدای چوپان را خواهند شنید. نتیجه نهایی یک گله و یک چوپان است. گوسفندان دیگر نباید از گوسفندان موجود متمایز بمانند، گویی قرار است یک کلیسای یهودی و یک کلیسای غیریهودی جداگانه وجود داشته باشد.

آنها باید در یک گله متحد شوند و همه تحت رهبری یک شبان قرار گیرند. این وحدت، وحدتی طبیعی نیست، بلکه وحدتی است که توسط فعالیت شبان در آوردن آنها ایجاد شده است. لئون موریس، انجیل به NICNT، روایت یوحنا، تفسیر بین‌المللی جدید در مورد عهد جدید

تصویر دیگری از قوم خدا در عهد جدید، کسانی هستند که از الگوی عیسی پیروی می‌کنند. یوحنا ۱۵: ۱۳ تا قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که عیسی را می‌شناسند و دوست دارند و از الگوی او پیروی ۱۷ می‌کنند.

یوحنا این حقیقت را به طور قدرتمندی در یوحنا ۱۳ ارائه می‌دهد، زمانی که عیسی پاهای شاگردانش را می‌شورد. این رسول با اطمینان دادن به خوانندگان مبنی بر اینکه کنترل اوضاع را در دست دارد، زمینه را برای خیانت و مرگ عیسی توسط یهودا فراهم می‌کند. نقل قول: عیسی می‌دانست که ساعت او برای عزیمت از این جهان به سوی پدر فرا رسیده است.

یوحنا ۱: ۱۳. پیش از این، عیسی گفته بود که ساعت او هنوز فرا نرسیده است. ۲: ۴، ۷: ۳۰، ۸: ۲۰. اکنون زمان مقرر برای مرگ، برخاستن و بازگشت او به سوی پدر فرا رسیده بود.

یوحنا اضافه می‌کند، نقل قول می‌کند، او که خاصان خود را در جهان دوست می‌داشت، آنها را تا به آخر دوست داشت، آیه ۱ از یوحنا ۱۳. خاصان عیسی کسانی هستند که پدر به او داده است. او آنها را هم تا ام دوست داشت، همانطور که این روایت نشان می‌دهد n پایان مأموریتش بر روی زمین و هم تا درجه

یوحنا در آیه ۲ به یهودای خائن و آن شیطانی که او را الهام بخشید اشاره می‌کند. یوحنا بار دیگر به ما یادآوری می‌کند که اوضاع از کنترل عیسی خارج نشده بود. نقل قول: عیسی می‌دانست که پدر همه چیز را به دست او سپرده است، او از جانب خدا آمده است و به سوی خدا بازمی‌گردد، آیه ۳. سپس عیسی کاری انجام داد که شاگردانش را شگفت‌زده کرد. او برخاست، آماده شد و شروع به شستن پاهای آنها کرد، آیات ۵ و ۴. این کاری بود که فقط افراد پایین‌تر از نظر اجتماعی برای افراد بالاتر از خود انجام می‌دادند ۴

توجه کنید که اگرچه پاهای شاگردان خاکی بود، اما هیچ یک از آنها داوطلب نشد که پاهای شاگردانش را بشوید. انجام این کار تحقیرآمیز بود. در واقع، شستن پاها کاری نبود که معلم برای شاگردانش، پدر برای خانواده‌اش یا شوهر برای همسرش انجام دهد.

نقل قول، این وظیفه‌ای بود که معمولاً برای پست‌ترین خدمتکاران دون‌پایه در نظر گرفته شده بود، نقل قول نزدیک، دی. ای. کارسون، تفسیر انجیل یوحنا. عیسی این مکان را، این مکان را، به دست گرفت و شاگردانش را شوکه کرد. شمعون پطرس باور نکرد و عیسی به او گفت که بعداً آیات ۶ و ۷ را خواهد فهمید پس از آنکه پطرس اعتراض کرد که تو هرگز پاهای مرا نخواهی شست، عیسی اصرار کرد که اگر کسی می‌خواهد به او تعلق داشته باشد، این عمل ضروری است.

سپس پطرس از عیسی خواست که دست‌ها و سرش را نیز بشوید. عیسی به پطرس گفت: «کسی که غسل کرده است، نیازی به شستن چیزی جز پاهایش ندارد، بلکه او کاملاً پاک است.» در آیه ۱۰، عیسی آشکار می‌کند که این شستشوی فیزیکی نماد پاکسازی معنوی است.

شاگردان هنوز نمی‌فهمیدند که عیسی پاهای آنها را به عنوان عملی فروتنانه شست، که به فروتنانه‌ترین اعمال او، فروتنانه‌ترین اعمال در رفتن به صلیب برای آنها اشاره داشت. کفار او پاکی از گناه را به همراه داشت، که در شستن پاها به آن اشاره شده بود. عیسی اعلام کرد که ۱۱ شاگرد، نقل قول، پاک و بخشیده شده‌اند، اما یهودا، خائن، را در آیات ۱۰ و ۱۱ مستثنی کرد.

بعد از اینکه عیسی لباس بیرونی خود را پوشید، معنای دومی برای شستن پاها بیان کرد. معنای اول این است که ما به پاکسازی روزانه از گناه نیاز داریم. آیا می‌دانید من برای شما چه کرده‌ام؟ من آیات ۱۲ تا ۱۷ از باب یوحنا را نقل می‌کنم ۱۳.

شما مرا استاد و خداوند می‌خوانید، و درست می‌گویید، زیرا من چنین هستم. پس اگر من، استاد و خداوند شما، پاهای شما را شسته‌ام، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید. زیرا به شما سرمشقی داده‌ام تا شما نیز همانطور که من برای شما انجام دادم، انجام دهید.

به راستی به شما می‌گویم، غلام از ارباب خود بزرگتر نیست و رسول از فرستنده خود بزرگتر نیست. اگر این چیزها را می‌دانید، اگر آنها را به جا آورید، خوشا به حال شما. یوحنا ۱۲:۱۳ تا ۱۷

در اینجا، عیسی قوم خدا را کسانی تعریف می‌کند که او را معلم و خداوند خطاب می‌کنند و از الگوی خدمت فروتنانه او پیروی می‌کنند. او شستن پا را به عنوان یک آیین کلیسا مانند غسل تعمید در شام خداوند وضع نمی‌کند. در عوض، او با الگو قرار دادن خود به آنها آموخت که نباید خود را برتر از یکدیگر یا برتر از مردمی بدانند، که به آنها خدمت می‌کنند.

در عوض، آنها باید از الگوی کسی که گفته است پیروی کنند، نقل قول: هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ شود، بنده شما خواهد بود و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، غلام همه خواهد بود. زیرا پسر انسان نیز نیامده است تا خدمت شود، بلکه آمده است تا خدمت کند و جان خود را به عنوان بهای رهایی بسیاری فدا کند. مرقس ۱۰:۴۳ تا ۴۵

آیه آخر شامل جمله معروف فدیة است. عیسی در انجیل مرقس صریح‌تر از یوحنا ۱۳: ۱ تا ۱۷ است. در انجیل مرقس، عیسی از صلیب خود به عنوان بزرگترین نمونه خدمت فروتنانه به دیگران استفاده می‌کند، در حالی که یوحنا فقط با بیان ابراز عشق بی‌کران خود به آنها، به آن اشاره می‌کند.

این قبل از شستن پا انجام می‌شود. عیسی قبل از هر چیز نجات‌دهنده‌ی همه کسانی است که برای نجات به او ایمان می‌آورند. نجات با پیروی از الگوی او حاصل نمی‌شود.

بلکه، کسانی که به او به عنوان خداوند و نجات‌دهنده اعتماد کرده‌اند، درمی‌یابند که او الگوی آنها نیز هست. موریس در مورد این حقیقت کاملاً درست می‌گوید. نقل قول از او این است که شاگردان نباید بر شأن خود پافشاری کنند یا خود را بیش از حد بالا بدانند.

اگر ارباب و فرستنده‌ی آنها اعمال پست و حقیری انجام می‌دهند، پس آنها، بردگان و فرستادگان، نباید کارهای پست را دون شأن خود بدانند. نقل قول بسته. تفسیر موریس بر انجیل یوحنا

مؤمنان در تاک ساکن هستند، یوحنا ۱۵: ۱ تا ۶. قوم خدا، طبق عهد جدید، شاخه‌هایی هستند که در عیسی، تاک حقیقی، ساکن هستند. طبق معمول، یوحنا گفتمان گسترده عیسی را در پس‌زمینه‌ای از عهد عتیق قرار می‌دهد. در اینجا، او یک متن از مزامیر و حداقل شش متن از انبیا را گنجانده است.

مزمور ۸۰، اشعیا ۵، ارمیا ۲، حزقیال ۱۷: ۱۹، هوشع ۱. مرتبط‌ترین این آیات، اشعیا ۱: ۵ تا ۸ است و من از عبارت «من درباره کسی که دوستش دارم خواهم خواند» نقل قول می‌کنم، سرودی درباره تاکستان معشوقم کسی که دوستش دارم تاکستانی در تپه‌ای بسیار حاصلخیز داشت. او خاک را شکافت، آن را از سنگ پاک کرد و بهترین تاک‌ها را در آن کاشت.

او در میان آن برجی ساخت و حتی در آنجا چرخش می‌کند. او انتظار داشت که انگور خوب بدهد، اما انگور بی‌ارزشی داد. پس اکنون ای ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، لطفاً بین من و تاکستانم داوری کنید.

چه کار بیشتری از من برای تاکستانم می‌توانستم انجام دهم؟ چرا وقتی انتظار داشتم انگور خوب برداشتم، انگور بی‌ارزش داد؟ اکنون به شما می‌گویم که با تاکستانم چه خواهم کرد. پرچینش را برمی‌دارم و نابود خواهد شد. دیوارش را خراب می‌کنم و پایمال خواهد شد.

آن را به زمین بایری تبدیل خواهم کرد که نه هرس می‌شود و نه علف‌های هرز از آن کنده می‌شوند. خار و خس در آن رشد خواهند کرد.

همچنین به ابرها فرمان خواهم داد که باران بر آن نبارد. زیرا تاکستان خداوند لشکرها، خاندان اسرائیل است. و مردان یهودا، نهالی که او از آن لذت می‌برد. او انتظار عدالت داشت، اما بی‌عدالتی دید.

او انتظار عدالت داشت، اما فریادهای ناامیدی و ازدحام جمعیت را شنید. او انتظار عدالت داشت، اما فریادهای ناامیدی را شنید. اسرائیل، قوم عهد عتیق خدا، تاکستان خداوند بود که انگورهای بی‌ارزشی به بار می‌آورد.

آیات دو و چهار از اشعیا پنجم. عیسی یک تاک حقیقی است و تمام شاخه‌های او قوم عهد جدید خدا هستند که از او حیات می‌گیرند و در نتیجه میوه‌های خوب و ماندگار به بار می‌آورند. عیسی سه بار در انجیل یوحنا ادعا می‌کند که تحقق واقعی یک واقعیت عهد عتیق است.

او نور حقیقی است، ۱: ۹. نان حقیقی از آسمان، ۶: ۳۲. و تاک حقیقی، ۱۵: ۱.

اگرچه یوحنا گاهی اوقات از کلمه «درست» در مقابل چیزی که نادرست است استفاده می‌کند، اما در این سه مورد، منظور او این است که عیسی نور واقعی، نان واقعی یا تاک واقعی است. یعنی او واقعیتی است که نمونه‌های عهد عتیق به آن اشاره می‌کردند. قرار بود اسرائیل نوری برای ملت‌ها باشد، اما تا حد زیادی در این کار شکست خورد.

عیسی نور حقیقی جهان است، ۱: ۹. عیسی در بیابان به بنی اسرائیل مَنّا داد، اما کسانی که از آن خوردند سرانجام مردند. عیسی نان حقیقی است و همه کسانی که از آن بخورند، یعنی به او ایمان آورند، تا ابد زنده خواهند ماند. یوحنا ۵: ۱۶.

اسرائیل تاکستان یهوه بود، اما انگورهای خوبی که او می‌خواست را به بار نیاورد. عیسی، تاک حقیقی میوه‌های زیادی را در کسانی که در او می‌مانند و از طریق آنها تولید می‌کند. کروز خلاصه‌ای از تاکستان باستانی فلسطین، یعنی کشت انگور، که این متن را شکل می‌دهد، ارائه می‌دهد.

او به دو فرآیند اشاره می‌کند: تربیت تاک‌ها و هرس شاخه‌ها. نقل قول: تاک‌ها به یکی از دو روش تربیت می‌شدند. اول، به آنها اجازه داده می‌شد که در امتداد زمین حرکت کنند و سپس شاخه‌های میوه‌دار با قرار دادن سنگ یا تیرک در زیر آنها برای تهویه، بالا کشیده می‌شدند.

یا دو، آنها را از ابتدا روی تیرک یا داربست تربیت می‌کردند و شاخه‌ها را برای بهبود میوه‌دهی روی اینها بلند می‌کردند. اولین هرس در بهار انجام می‌شد که شامل چهار عملیات بود. یکی حذف نوک شاخه‌های قوی در حال رشد است.

دو، قطع کردن از انتهای شاخه‌های در حال رشد برای جلوگیری از شکستن کل شاخه‌ها توسط باد. سوم، حذف برخی از گل‌ها یا خوشه‌های انگور به طوری که آنها پایی که باقی مانده‌اند بتوانند میوه‌های بیشتر و با کیفیت‌تری تولید کنند. و چهارم، حذف پاجوش‌هایی که از زیر زمین بیرون زده‌اند.

هرس بهاره شامل حذف شاخه‌های چوبی یا سوزاندن بعدی آنها نمی‌شد. هرس دوم در پاییز پس از برداشت انگور و خواب تاک‌ها انجام می‌شد. این شامل حذف شاخه‌های ناخواسته و بریدن شاخه‌های مورد نظر بود.

پس از هرس پاییزی، قلمه‌ها، از جمله بسیاری از قلمه‌های چوبی، جمع‌آوری و سوزانده شدند. نقل قول بسته. کروزر، تفسیر یوحنا، صفحه ۳۱۵. عیسی گفت، من تاک حقیقی هستم و اضافه کردم، و پدرم باغبان است، آیه ۱. بنابراین عیسی رهبری پدر را تصدیق می‌کند و تأیید می‌کند که آنها به طور هماهنگ کار می‌کنند.

در نتیجه، در کتاب مقدس، نتیجه‌ای که هیچ ثمری نداشته باشد، نشان دهنده‌ی نبود زندگی ابدی است. بنابراین، اینجا هم همینطور است. نقل قول: هر شاخه‌ای در من که میوه ندهد، او آن را قطع می‌کند.

نقل قول نزدیک. پدر شاخه‌های بی‌ثمر را قطع می‌کند. اینها کسانی هستند که ادعا می‌کنند عیسی را می‌شناسند، اما بی‌ثمری‌شان وضعیت واقعی آنها را آشکار می‌کند.

نقل قول از آیه ۲، پدر هر شاخه‌ای را که میوه می‌دهد هرس می‌کند تا میوه بیشتری بدهد. این همان هرس بهاری است که برای افزایش ثمردهی به آن اشاره شده است. عیسی با بازی با کلمات، شاگردان را با «شاخه‌های میوه‌دار یکی دانست، وقتی گفت:» شما به خاطر کلامی که به شما گفته‌ام، از قبل پاک هستید. اگر این یک بازی با کلمات باشد، اگر شما از قبل پاک باشید، او شاخه‌ها را هرس می‌کند.

تطهیر توسط خدا نشان می‌دهد که هرس کردن به معنای پاکسازی است. عیسی به مؤمنان ادعا شده که توسط شاگردانش نمایندگی می‌شوند، دستور می‌دهد که در من و من و تو بمانند. یوحنا ۱۵، ۳. همانطور که شاخه‌ها نمی‌توانند جدا از تاک میوه بیاورند، انسان‌ها نیز نمی‌توانند جدا از عیسی برای خدا میوه بیاورند.

تاک حقیقی که حیات جاودان را به عنوان هدیه می‌دهد، آیات ۴ و ۵. علاوه بر این، اگر کسی در من نماند، مانند شاخه‌ای کنار گذاشته می‌شود و می‌خشکد. سپس آنها را جمع می‌کنند، در آتش می‌اندازند و می‌سوزند، آیه ۶. با توجه به پیشینه نقل شده در مورد تاکستان، این به هرس پاییزی اشاره دارد، زمانی که شاخه‌هایی که دیگر میوه نمی‌دهند، بریده می‌شوند، در آتش انداخته می‌شوند و سوزانده می‌شوند. نقل قول کروزر صحیح است؛ مفهوم آن این است که کسانی که از عیسی اطاعت نمی‌کنند، داوری را تجربه خواهند کرد.

یوحنا ۳:۱۸، ۸:۲۱، ۲۴، ۱۲:۲۵، ۴۸، ۱۷:۱۲. احتمالاً اشاره اصلی به یهودای اسخریوطی بوده است. استفاده از فعل مجهول نشان می‌دهد که خدا کسی است که داوری را اجرا می‌کند، که نقل قول نزدیکی است.

قوم حقیقی خدا در الوهیت عیسی می‌مانند و در نتیجه از او اطاعت می‌کنند و بدین ترتیب نشان می‌دهند که قوم او هستند. عیسی ایده ماندن یا ماندن در او را بسط می‌دهد. کسانی که در او می‌مانند و کلام او را نگه می‌دارند، به پاسخ دعاهایشان دست می‌یابند.

یوحنا ۱۵، آیات ۷، آیه ۱۶ را مقایسه کنید. خدای پدر زمانی جلال می‌یابد که مؤمنان با تولید میوه فراوان، واقعیت ایمان خود به عیسی را نشان دهند. در آیه ۸، به طرز شگفت‌آوری، میزان عشق عیسی به خویشان همان عشق پدر به اوست، آیه ۹. مفهوم ماندن بارها در یوحنا ۱۵: ۱ تا ۱۶ ذکر شده است و این نزدیکترین تعریفی است که متن به آن می‌دهد، نقل قول، همانطور که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام.

در عشق من بمانید، آیه ۹. ماندن یا ماندن در مسیح به معنای ماندن در عشق اوست. بی‌زلی موری می‌نویسد، نقل قول، ماندن در عیسی به معنای ماندن در عشق اوست، همانطور که عیسی در طول زندگی‌اش در عشق پدر ماند، نقل قول نزدیک. ماندن در عشق عیسی شامل اطاعت از اوست، همانطور که او از پدر اطاعت کرد، آیه ۱۰.

ماندن در مسیح شادی می‌آورد، آیه ۱۱، و عشق به دیگر مؤمنان، نقل قول از «یکدیگر را دوست بدارید همانطور که من شما را دوست داشته‌ام»، آیه ۱۲. عالی‌ترین نشانه عشق عیسی به خویشان، فدا کردن جان خود برای آنهاست، آیه ۱۳. در اینجا، عیسی تعلیم می‌دهد که قوم مطیع عهد جدید خدا، دوستان عیسی هستند، آیات ۱۴ و ۱۵.

این از یک رابطه شخصی با عیسی صحبت می‌کند، موضوعی که در انجیل چهارم آمده است. به این فکر کنید: این حیات جاودان است، تا تو را بشناسند، عیسی دعا کرد، ای خدای یگانه حقیقی، و ای کسی که تو فرستاده‌ای، یعنی عیسی مسیح، یوحنا ۳:۱۷. عیسی به موضوع گزینش الهی که در ۶۳۷ دیدیم، باز می‌گردد. تو مرا انتخاب نکردی، بلکه من تو را انتخاب کردم.

من شما را مأمور کردم که بروید و میوه بیاورید و میوه شما باقی بماند، ۱۵:۱۶. نکته اصلی در یوحنا ۱۵ بر مسئولیت شاگردان در ماندن در مسیح برای آوردن میوه فراوان است. اما مبدا پیام یوحنا را اشتباه بفهمیم، در اینجا، در پایان متن اصلی، یوحنا به روشنی حاکمیت الهی را بیان می‌کند.

تنها در اینجا، در کتاب مقدس، عیسی عامل گزینش است؛ آیه ۱۹ را مقایسه کنید. در نهایت، او شاگردان را برای نجات و ثمربخشی برگزید. آنها باید از او اطاعت کنند تا در او بمانند و زندگی مسیحی پرباری داشته باشند.

اما برنامه آنها یک برنامه خودیاری نیست، زیرا در زیر آن، بازوان جاودان پسر خدا قرار دارند. تمرکز در یوحنا ۱۵، مانند بقیه انجیل یوحنا، بر مسیح است. در اینجا او تاک حقیقی، تحقق نمونه‌های عهد عتیق است که با پدر و تحت فرمان او کار می‌کند.

قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که از او حیات دریافت می‌کنند و در نتیجه میوه‌های خوب و ماندگار به بار می‌آورند. عیسی در این متن اغلب از ماندن یا در او ماندن صحبت می‌کند. ماندن، عهدی و نسبی است.

ماندن در مسیح به معنای داشتن رفاقت با اوست، همانطور که با خدای پدر رفاقت داریم. با اول یوحنا ۳:۱، مقایسه کنید. قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که در پسر می‌مانند و برای پدر و برای او ثمر می‌آورند، که موضوع دعای کاهن اعظم عیسی هستند.

یوحنا ۱۷:۱۷-۲۳. قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که عیسی در دعای کاهن اعظم خود برای آنها دعا می‌کند. اگرچه مفسران در مورد جزئیات اختلاف نظر دارند، اما طرح کلی سنتی این فصل گسترده و مفید است.

عیسی برای خودش دعا می‌کند، آیات ۱-۵، شاگردانش، آیات ۶-۱۹، و مؤمنان آینده، آیات ۲۰-۲۶، همانطور که در ۱۳:۱ دیدیم، اما اکنون از زبان عیسی، ساعت او فرا رسیده بود تا با مرگ بر صلیب برخاستن از مردگان، صعود و بازگشت به سوی پدر، پدر را جلال دهد، آیه ۱. عیسی با دعا برای خود در رابطه با پدرش شروع می‌کند. در واقع، صلیب و قبر خالی نشان دهنده جلال متقابل پدر، پسر و پدر است. آیه ۱. پدر به پسر اقتدار جهانی داد تا بتواند هدیه حیات جاودان را به کسانی که پدر برگزیده است، کسانی که او به پسر داده است، بدهد، آیه ۲. سپس عیسی حیات جاودان را به صورت رابطه‌ای تعریف می‌کند.

این شناخت پدر و پسر است، آیه ۳. عیسی با تکمیل مأموریت خود در مردن و برخاستن، پدر را جلال داده است، آیه ۴، زیرا عیسی در این دعا دیدگاهی پس از رستاخیز اتخاذ می‌کند. او می‌پرسد، اکنون، پدر، مرا در حضور خود جلال بده، با جلالی که پیش از پیدایش جهان نزد تو داشتم. سپس، عیسی برای شاگردانش، هم نفر و هم کسانی که آنها نماینده آنها هستند، دعا می‌کند، آیات ۶ تا ۱۹ ۱۱.

بارت به وضوح اهمیت شاگردان را در آموزه یوحنا در مورد کلیسا برجسته می‌کند. نقل قول: یوحنا دائماً و به درستی کلیسا را در دوره خدمت از پیش ترسیم شده می‌بیند. در درجه اول، شاگردان از پیش آن را ترسیم می‌کنند.

یکی از مضامین اصلی مسیح‌شناسی انجیل چهارم، عیسی به عنوان وحی‌کننده‌ی خداست. او به پدر می‌گوید: «من نام تو را به مردمی که از جهان به من بخشیدی، آشکار کردم. آنها از آن تو بودند»

تو آنها را به من دادی و آنها کلام تو را حفظ کردند. اکنون آنها می‌دانند که هر آنچه به من داده‌ای از جانب توست، زیرا من کلام تو را به آنها داده‌ام. آنها آنها را پذیرفته‌اند و به یقین می‌دانند که من از جانب تو آمده‌ام.

آنها ایمان آورده‌اند که تو مرا فرستاده‌ای. یوحنا ۶:۱۷ تا ۸. عیسی پدر را به برگزیدگان شناساند. پدر آنها را برگزید و به پسر سپرد.

پسر، پدر را به آنها آشکار کرد و آنها به آیه ۶ ایمان آوردند. عیسی، آشکارکننده، پیامی را که پدر به او داده بود به آنها آشکار کرد و آنها پدر را می‌شناسند. در نتیجه، آنها به تجسم پسر ایمان دارند، آیات ۶ تا ۸. قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که پدر و پسر را به دلیل رسالت پسر به عنوان آشکارکننده خدا می‌شناسند. البته، آنها روح القدس را نیز می‌شناسند، اما یوحنا این را درست اینجا نمی‌گوید.

عیسی برای مردمی که پدر به او داده دعا می‌کند و نه برای جهان، آیه ۹. پدر و پسر همه چیز را با هم تقسیم می‌کنند، و به طرز شگفت‌آوری، پسر اعلام می‌کند که او در قومش جلال یافته است، علیرغم اکراه آنها برای ایمان آوردن و ترک شدنشان در هنگام مصلوب شدنش، آیه ۱۰. عیسی خود را در حالی تصور می‌کند که دیگر در جهان نیست، و برای پیروانش دعا می‌کند، که پس از بازگشت به سوی پدر، آنها را پشت سر خواهد گذاشت، آیه ۱۰. عیسی از پدر خواست که قوم خدا در عهد جدید را محافظت و متحد کند.

پدر بازمی‌گردد، کسی که از او خواسته بود همچنان از آنها محافظت کند، آیات ۱۱ و ۱۲.

قوم خدا کسانی هستند که پسر برایشان دعا می‌کند، حتی کسانی که توسط او و پدر محافظت می‌شوند؛ یوحنا ۱۰:۲۸ و ۲۹ را مقایسه کنید. پیش از این، عیسی به شاگردانش شادی بخشید، ۱۵:۱۱، ۱۶، ۲۰. اکنون او دعا می‌کند که شادی آنها چند برابر شود، یوحنا ۱۷:۱۳، ۲۴، ۲۲.

از آنجا که شاگردان، مانند عیسی، به دنیا تعلق ندارند، وقتی کلام خدا را به آنها داد، دنیا از آنها متنفر شد. آیات ۱۴ و ۱۶. عیسی دوباره برای محافظت خدا از قومش در جهان دعا می‌کند، این بار از شیطان، آیه ۱۵. عیسی دعای خود را برای شاگردان با صحبت از تقدیس، تقدیس خود و تقدیس آنها، به پایان می‌رساند.

ایشان را به راستی تقدیس نما. کلام تو راستی است. چنانکه مرا به جهان فرستادی، من نیز ایشان را فرستادم (آیات ۱۷ و ۱۹).

البته، من خود را برای ایشان تقدیس می‌کنم تا ایشان نیز به راستی تقدیس شوند، آیات ۱۷ و ۱۹. البته تقدیس در اینجا به دو معنای مختلف به کار رفته است. تقدیس عیسی، وقف کاهنی او به وظیفه‌ای است که پدر او را برای انجام آن فرستاده است، تا برای همه کسانی که به او ایمان می‌آورند کفاره کند.

تقدیس کاهنانه‌ی عیسی، اساس تقدیس پیروانش از گناه است، که او برای آن دعا می‌کند. آیات ۱۷ و ۱۹. خداوند کار عیسی را از طریق کلام حقیقت، انجیل، آیه ۱۷، برای قوم خود به کار می‌گیرد.

انجام مأموریت عیسی در کفاره دادن، منجر به تقدیس بعدی شاگردانش و مأموریت آنها برای موعظه انجیل به دیگران می‌شود، آیه ۱۸. همانطور که عیسی بخش سوم و پایانی دعای کاهنی خود، آیات ۱۹ تا ۲۶ از یوحنا ۱۷ را آغاز می‌کند، برای رسولان و ایمان‌آوردگان دعا می‌کند. من نه تنها برای اینها، بلکه برای کسانی که از طریق کلام آنها به من ایمان می‌آورند نیز دعا می‌کنم، آیه ۲۰.

او برای وحدت آنها دعا می‌کند، که آن را با وحدت هستی‌شناختی خود با پدر مقایسه می‌کند، آیه ۲۱. عیسی دعا می‌کند که همانطور که پدر و پسر متقابلاً در یکدیگر ساکن هستند، شاگردانش نیز با آنها، پدر و پسر در اتحاد باشند تا جهان را متقاعد کنند که عیسی توسط خدا فرستاده شده است، آیه ۲۱. عیسی پیش از این جلال را به پدر داده است.

او از قبل جلالی را که پدر به او داده بود به شاگردانش داده است تا آنها متحد شوند، آیه ۲۲. همانطور که پدر در عیسی ساکن است، در مؤمنان نیز ساکن خواهد شد تا وحدت بزرگی در کلیسا ایجاد کند. این امر منجر به این خواهد شد که افراد نجات نیافته باور کنند که عیسی از جانب خدا با پیام عشق خدا به گناهکاران آمده است، آیه ۲۳.

عیسی دعای خود را با درخواست از پدر برای آوردن برگزیدگان به بهشت به پایان می‌رساند تا بتوانند جلال عیسی را که پدر قبل از خلقت به او داده بود، ببینند، آیه ۲۴. اگرچه جهان از پدر بی‌خبر است، اما عیسی که تنها کسی است که پدر را می‌شناسد، به شاگردانش آشکار کرده است که عیسی از جانب پدر آمده است، آیه ۲۵. عیسی پدر را به مؤمنان آشکار کرد و همچنان این کار را خواهد کرد تا عشق پدر در قلب‌هایشان باشد و عیسی در آنها ساکن شود، آیه ۲۶.

دعای عیسی چیزهای زیادی در مورد کلیسای او به ما می‌آموزد. هر چهار ویژگی کلیسا، که بر اساس اعتقادنامه نیکیه-قسطنطنیه بنا شده است، در اینجا یافت می‌شود. این یک کلیسای مقدس، کاتولیک جهانی و رسولی است.

اولاً، این یکی بودن در پاسخ به دعای عیسی از پدر برای یکی کردن آن است، آیات ۱۱، ۲۱ تا ۲۳. در نتیجه عینی است و افراد و کلیساها باید تلاش کنند تا آن را ذهنی کنند. ثانیاً، کلیسا مقدس است زیرا عیسی، کاهن اعظم بزرگ ما، خود را به قربانی کاهنی خود در جلجتا وقف کرد تا قومش مقدس شوند، آیات ۱۷ تا ۱۹.

سوم، جهان‌شمول است، نه تنها شامل شاگردان عیسی، بلکه شامل همه کسانی که از طریق شهادت آنها به او ایمان می‌آورند، آیات ۱۸ و ۲۰. چهارم، کلیسا رسولی است نه به دلیل جانشینی کاتولیک رومی از پطرس بلکه به دلیل مؤمنانی که آموزه رسولی را که کلیسا بر اساس آن تأسیس شده است، موعظه می‌کنند، آیات ۶ تا ۸، ۱۴ و ۲۰. این متن همچنین شامل حقیقت اسرارآمیز پری کورسیس تثلیث یا ختنه، ختنه کردن سکونت متقابل، ۲۱ تا ۲۳، و نتیجه شگفت‌انگیز آن است که به شکلی مخلوقانه، در نتیجه رستگاری، قوم عهد جدید خدا نیز به طور متقابل در پدر و پسر ساکن می‌شوند، آیات ۲۱، ۲۳، ۲۶.

یوحنا ۱۷ چیزهای زیادی در مورد کلیسا می‌گوید، اما هیچ چیز شگفت‌انگیزتر از این حقیقت نیست که خداوند صلاح دیده است تا حیات، عشق و وحدت تثلیث را در زندگی قوم خدا بازتولید کند. کلیسا باید از خدا فیض بخواهد تا بتواند نتایج شگفت‌انگیز دعای کاهن اعظم عیسی را تجربه کند. در نهایت، قوم عهد جدید خدا کسانی هستند که به انجیل مأمور شده‌اند، یوحنا ۱۹: ۲۰ تا ۲۳.

ما قبلاً این را دیدیم، بنابراین اینجا خلاصه می‌کنم. در انجیل یوحنا، عیسی پس از رستاخیز از مردگان، سه بار بر شاگردانش ظاهر می‌شود. در واقع، یوحنا برای ما اهمیت دارد.

نقل قول: این سومین باری بود که عیسی پس از رستاخیز از مردگان، بر شاگردانش ظاهر شد، ۱۴: ۲۱. پس از آنکه مریم مجدلیه دید که سنگ از مقبره عیسی به کناری غلطانیده شده است، دوید و به پطرس و یوحنا خبر داد، که آنها به سمت مقبره دویدند و آن را خالی یافتند، فصل ۲۱ تا ۱۰. سپس عیسی بر مریم ظاهر شد و خود را به او شناسانید.

عیسی به او دستور داد که نقل قول کند، نقل قول کند، نزد برادرانم برو و به آنها بگوید که من نزد پدر خود و پدر شما، نزد خدای خود و خدای شما صعود می‌کنم، فصل ۲۰، آیه ۱۷. مریم اطاعت کرد و به شاگردان اعلام کرد، من خداوند را دیده‌ام و پیام عیسی را به آنها رساند، آیه ۱۸. اولین ظهور ثبت شده عیسی از رستاخیز در کتاب یوحنا در روز یکشنبه رخ داد، زمانی که شاگردان از ترس یهودیان پشت درهای قفل شده جمع شده بودند.

نقل قول: عیسی آمد، در میان آنها ایستاد و به آنها گفت: «سلام بر شما.» «وقتی جای زخم‌ها را در دست‌ها و پهلویش به آنها نشان داد، آنها شاد شدند. عیسی دوباره گفت: «سلام بر شما»، درودی رایج و پر از معنا، زیرا او ترس و گناه شاگردان را با بینایی جایگزین کرد.

سپس، عیسی عملی نبوی را با کلمات ترکیب کرد. همانطور که پدر مرا فرستاده است، من نیز شما را می‌فرستم. پس از گفتن این، بر آنها دمید و گفت، روح القدس را بیابید.

اگر گناهان کسی را ببخشید، بخشیده می‌شوند. اگر بخشش را دریغ کنید، بخشیده نمی‌شود. عیسی در اینجا دمیدن خدا به آدم را بازگو می‌کند، به او نفس حیات می‌بخشد و به او جان می‌بخشد تا زنده شود.

در اینجا، عیسی، در عمل نبوی خود، بر شاگردان دمید. عیسی، حیات بخش، به آنها وعده یاری خدا در شخص روح القدس را می دهد تا بتوانند از آنها برای رساندن پیام حیات بخش به جهان استفاده کنند. بنابراین، قوم خدا در انجیل یوحنا کسانی هستند که توسط عیسی مأمور شده اند تا انجیل را با قدرت و هدایت روح القدس موعظه کنند، با این نتیجه که آنها بخشش یا فقدان آن را برای شنوندگانی که حقیقت را باور می کنند یا رد می کنند، به ارمغان می آورند.

انجیل یوحنا در مورد کلیسا حقیقتاً برجسته و مهم است و برای اولین شنوندگان و همچنین برای کسانی که در طول اعصار آن را شنیده اند، نعمتی است.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد الهیات یوحناپی است. این جلسه ۱۵، قوم خدا است.